

نقش ارزش‌های فرهنگی ازدواج و تفاوت‌های جنسی در انتخاب همسر

The Role of Cultural Values of Marriage and Sex Differences in Mate Selection

Hashem Jebraeili
MA in family Therapy

Ali Zadeh Mohammadi, PhD
Shahid Beheshti University

علی زاده محمدی
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

هاشم جبرئیلی
کارشناس ارشد خانواده‌درمانی

Mahmood Heidari, PhD
Shahid Beheshti University

محمود حیدری
استادیار دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

نقش ارزش‌های فرهنگی ازدواج و تفاوت‌های جنسی در ملاک‌های انتخاب همسر در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. ۳۶۰ دانشجوی (۱۶۱ مرد و ۱۹۹ زن) به شیوه نمونه‌برداری در دسترس از بین دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی انتخاب و با استفاده از زمینه‌یاب ارزش‌های ازدواج (MVS؛ دلخמוש، ۱۳۸۶) و پرسشنامه ملاک‌های انتخاب همسر (PCPM؛ باس، ۱۹۸۹) مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده‌های پژوهش با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از آن بود که بین بیشتر ارزش‌های فرهنگی ازدواج با ترجیح ملاک‌های انتخاب همسر رابطه معناداری وجود دارد و این متغیرها سهم معناداری در پیش‌بینی ترجیح ملاک‌های انتخاب همسر ایفا می‌کردند. این یافته‌ها با توجه به مبانی نظری ارزش‌های فرهنگی ازدواج مورد بحث قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های فرهنگی، ازدواج، انتخاب همسر، تفاوت‌های جنسی

Abstract

This study investigated the function of cultural values of marriage and sex differences in mate selection. Three hundred and sixty students (199 females and 161 males) of Shahid Beheshti university were selected and answered Marriage Values Survey (MVS; Delkhamoush, 2005) and Preferences Concerning Potential Mates Questionnaire (PCPM; Buss, 1989). Using Pearson correlation and multiple regression analysis, data were analysed. Results showed that the majority of marriage values were significantly related to mate preferences criteria and these values had significant predictive function in mate preferences criteria. Findings were discussed based on the theoretical framework of the cultural values of marriage.

Keywords: cultural values, marriage, mate selection criteria, sex differences

received: 7 October 2012

accepted: 24 May 2013

Contact information: jebrailyhora@yahoo.com

دریافت: ۹۱/۷/۱۵

پذیرش: ۹۴/۳/۱

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد که با حمایت مالی قطب علمی خانواده ایرانی اسلامی انجام شده است.

مقدمه

هر شخص برای برقراری رابطه صمیمی با فردی دیگر، باید شریکی پیدا کند، پیوند عاطفی برقرار کند و آن را در طول زمان حفظ کند. همسران صمیمی در مکان‌هایی همدیگر را ملاقات می‌کنند که افراد متناسب با سن، قومیت، مرتبه اجتماعی اقتصادی و مذهب آنها در این مکان‌ها حضور دارند (دوسج، روجان و فیشر، ۱۹۹۹). وقتی افراد در مجاورت یکدیگر قرار دارند، معمولاً همسرانی را انتخاب می‌کنند که از لحاظ بازخورد، ارزش، شخصیت، برنامه‌های تحصیلی، هوش، جذابیت جسمانی و حتی قد شبیه آنها باشند (کیت و شیفر، ۱۹۹۱). گرچه گاهی همسران رمانتیک توانایی‌هایی دارند که یکدیگر را کامل می‌کنند، ولی از دیدگاهی که می‌گوید «اضداد یکدیگر را جذب می‌کنند» حمایت اندکی شده است. هماهنگی، قوی‌ترین نیرو در تبدیل غریبه‌ها به دل‌باختگان است. هر چه دو نفر شباهت بیشتری داشته باشند، بیشتر جذب همدیگر می‌شوند و به احتمال بیشتری در کنار هم می‌مانند (کاسپی و هربرنر، ۱۹۹۰).

اهمیتی که افراد برای ویژگی‌های خاص قائل هستند، در نزد دو جنس تفاوت دارد. زنان برای هوش، جاه‌طلبی، شخصیت، وضعیت مالی و پای‌بندی و مردان برای جذابیت جسمانی و خانه‌داری ارزش بیشتری قائل هستند (باس، ۱۹۸۹؛ خالد، ۲۰۰۵؛ کنریک و کیف، ۱۹۹۲). نظریه تکاملی به ما کمک می‌کند تا علت این تفاوت‌ها را بهتر درک کنیم. طبق این دیدگاه چون توانایی تولید مثل زنان محدود است، آنها به دنبال همسرانی هستند که بقا و سلامت فرزندان را تضمین کنند. در مقابل، مردان همسری را می‌جویند که جوان و شاداب بوده و توانایی فرزندآوری داشته باشد (باس، ۱۹۸۹). با این وجود، دیدگاه یادگیری اجتماعی، ملاک‌های همسرگزینی را تحت تأثیر نقش‌های دو جنس اجتماعی می‌داند. مردان از همان آغاز یاد می‌گیرند که جسور و مستقل باشند؛ رفتارهایی که به موفقیت در بازار کار منجر می‌شود. زنان رفتارهای مهرورزانه را فرا می‌گیرند که پرستاری را تسهیل می‌کنند. بعدها هر یک از دو جنس یاد می‌گیرند برای صفاتی در طرف مقابل خود ارزش قائل شوند که متناسب با این نوع نقش‌پذیری

است. برای مثال در فرهنگ‌هایی که برابری جنسی بیشتری در حکومت و محیط کار وجود دارد، زنان روی وضعیت مالی مرد کمتر تأکید می‌کنند. مردان نیز به مهارت‌های خانه‌داری زن کمتر اهمیت می‌دهند (ایگلی و وود، ۱۹۹۹). به نظر می‌رسد شالوده ملاک‌های انتخاب همسر ترکیبی از نیروهای زیستی، اجتماعی و فرهنگی باشد.

در کشورهای غربی که بر ارزش‌های فردنگری تأکید می‌کنند شهوت و صمیمیت مبنای ازدواج هستند. از این نظر، عشق پخته بر اساس خودپیروی، قدرشناسی از ویژگی‌های منحصر به فرد همسر و هیجان شدید قرار دارد و سعی در ارضا کردن نیازهای وابستگی از طریق رابطه صمیمانه، ناپخته انگاشته می‌شود (هاتفیلد، ۱۹۹۳). این دیدگاه غربی به شدت با دیدگاه‌های فرهنگی شرق مغایر است. در این فرهنگ‌ها عشق به معنی «وابسته بودن به خیراندیشی و نیکوکاری دیگری» است و چون احساس محبت در شبکه اجتماعی گسترده پخش شده، شدت هر نوع رابطه‌ای پایین است (چو، ۱۹۸۵).

فرهنگ دسته‌ای از عناصر ذهنی و عینی انسان‌ساز است که در گذشته احتمال بقا را افزایش داده و باعث رضایت‌هایی برای دست‌اندرکاران یک موقعیت زیست‌بومی شده است. به همین دلیل در بین کسانی که می‌توانستند به دلیل داشتن یک زبان مشترک و زیستن در زمان و مکان مشترک ارتباط برقرار کنند، مشترک شده است (تریاندیس، ۱۹۹۵).

یکی از مفاهیم در شناسایی تفاوت‌های الگوهای فرهنگی، مفهوم ارزش‌هاست. ارزش‌های فرهنگی نشانگر سهیم شدن ضمنی یا صریح در عقاید انتزاعی درباره آنچه در جامعه خوب، درست و مطلوب است، هستند (ویلیامز، ۱۹۷۰). این ارزش‌های فرهنگی (مانند آزادی، موفقیت و امنیت) مبتنی بر هنجارهای خاصی هستند که به مردم می‌گویند چه چیزی در موقعیت‌های مختلف مناسب است. روش‌هایی که نهادهای اجتماعی مانند خانواده، تحصیلات، اقتصاد، سیاست و سیستم‌های مذهبی، عمل می‌کنند و اهداف و کارکرد آنها بیانگر اولویت ارزشی فرهنگ است. برای مثال، در جوامعی که جاه‌طلبی و موفقیت افراد ارزشمند تلقی می‌شود، سازمان‌های اقتصادی و سیستم‌های قانونی احتمالاً رقابتی می‌شوند (مانند بازارهای

معرض رسوم، قوانین، هنجارها، متون مقدس و فعالیت‌هایی که از سوی ارزش‌های فرهنگی شکل داده می‌شوند و نیز ارزش‌های فرهنگی را بیان می‌کنند، به اعضای جامعه ابلاغ می‌شوند (بوردیو، ۱۹۷۲؛ مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱). در نتیجه، برای تفویض ارزش‌های فرهنگی به افراد، سازش‌یافتگی با واقعیت اجتماعی و اجتماعی شدن غیررسمی، درست به اندازه اجتماعی شدن رسمی اهمیت دارند.

بنابراین، ارزش‌های فرهنگی ازدواج که عبارتند از معانی و دریافت‌های ارزشی در قلمرو ازدواج که اعضای جامعه در آنها اشتراک دارند، به منزله جلوه‌های ارزش‌های فرهنگی کلی در نظر گرفته می‌شوند. ارزش‌های فرهنگی ملاک‌های انتخاب همسر را توجیه می‌کنند (برای نمونه، چه کسی برای همسری شایسته است) و مفروضه‌های عملی قلمرو زندگی زناشویی را فرا می‌خوانند (برای مثال، چه اعمالی برای زوجین مجاز یا ممنوع شمرده می‌شوند) (دلخموش، ۱۳۸۸).

محاط‌شدگی در برابر خودپیروی: این بُعد نشان می‌دهد افراد تا چه اندازه اشخاصی خودپیرو یا اجزای محاط‌شده گروه‌ها در نظر گرفته می‌شوند. ارزش‌های ازدواج در قطب محاط‌شدگی، از خلال احترام، ارزنده‌سازی و پذیرش آداب، قواعد و نقش‌هایی است که سنت یا مذهب برای ازدواج تکلیف می‌کنند. بنابراین، این بُعد ارزشی با ترجیح ملاک‌های قانع، مؤمن، همشهری و خویشاوند بودن در انتخاب همسر مرتبط است. ارزش‌های ازدواج در قطب خودپیروی، از خلال جست‌وجوی بیان کردن ویژگی‌های درونی خاص خویش در عرصه ازدواج است که با پیگیری رهنمودهای عقلی خاص خویش (خودپیروی عقلی) و پیگیری مستقل تجربه‌های مثبت (خودپیروی عاطفی)، معنا می‌شود. در نتیجه، خودپیروی عقلانی با ملاک‌های هوشمند و نواندیش بودن، و خودپیروی عاطفی با ملاک‌های هیجان‌برانگیز بودن و جذابیت در انتخاب همسر در ارتباط است (دلخموش، ۱۳۸۸).

سلسله‌مراتبی در مقابل برابرنگری: این بُعد با مسئله تضمین رفتار اجتماعی مسؤولانه، مسئله انگیزیدن افراد به در نظر گرفتن رفاه و حقوق دیگران و اداره کردن وابستگی‌های متقابل آنها رابطه دارد. ارزش‌های ازدواج در قطب سلسله‌مراتبی به منزله

سرمایه و روندهای قانونی رقابتی). در مقابل، تأکید فرهنگی بر بهزیستی جمعی احتمالاً منجر به اقتصاد و سیستم‌های قانونی تعاونی‌تر خواهند شد (مانند جامعه‌گرایی و میانجی‌گری) (شوارتز، ۱۹۹۹).

ارزش‌های فرهنگی فردنگری-جمع‌نگری^۱، از جمله مهم‌ترین تفاوت فرهنگی میان فرهنگ‌هاست، که بسیار مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (برای نمونه، تریاندیس، ۱۹۹۵؛ تریاندیس و گلفنگ، ۱۹۹۸؛ شوارتز، ۱۹۹۹؛ شوارتز و راس، ۱۹۹۵؛ مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱؛ هافستد، ۱۹۸۰؛ دلخموش، ۱۳۸۸). تریاندیس (۱۹۹۵) اظهار می‌کند انواع متعدد فرهنگ‌های جمع‌نگر و فردنگر وجود دارند. برای مثال کره و کیبوتس اسرائیلی می‌توانند فرهنگ‌های جمع‌نگر باشند، اما در جمع‌نگری خویش همسان نیستند. به همین ترتیب سوئد و ایالات متحده آمریکا می‌توانند فرهنگ‌های فردنگر باشند اما در فردنگری خویش همسان نیستند. یکی از ابعادی که دارای اهمیت خاصی است، جنبه افقی-عمودی^۲ است. پاره‌ای از فرهنگ‌ها برابری را مورد تأکید قرار می‌دهند (مثلاً، استرالیایی‌ها و سوئدی‌ها) و در فرهنگ‌های دیگر بر سلسله‌مراتب تأکید می‌کنند (مثلاً، هندی‌ها و آمریکایی‌های به شدت رقابت‌جو). شوارتز (۱۹۹۹) نیز هفت ریخت ارزشی فرهنگی را در قالب سه بُعد دوقطبی مطرح می‌کند، که دو بُعد از سه بُعد ارائه‌شده، با ابعاد فردگرایی-جمع‌گرایی و افقی-عمودی مطابقت دارند. این دو بُعد در نظریه شوارتز تحت عنوان خودپیروی^۳ (که به لحاظ مفهومی به دو ریخت متمایز خودپیروی عقلانی و خودپیروی عاطفی تقسیم می‌شود) در برابر محاط‌شدگی^۴ و سلسله‌مراتبی^۵ در مقابل برابرنگری^۶ نامگذاری شده‌اند (دلخموش، ۱۳۸۶).

از آنجا که ترجیحات ارزشی فرهنگی مشترک هستند، متصدیان نقش در نهادهای اجتماعی (مثلاً رهبران در دولت‌ها و والدین در خانواده‌ها) می‌توانند برای انتخاب رفتاری که از حیث اجتماعی مناسب است و برای توجیه کردن انتخاب‌های رفتاری خویش برای دیگران (مثلاً رفتن به جنگ و تنبیه کردن فرزند)، بر اساس آنها عمل کنند.

تأکیدهای ارزشی آشکار و ضمنی‌ای که خصیصه‌های فرهنگ را توصیف می‌کنند، از خلال قرار گرفتن روزانه در

1. individualism-collectivism

2. vertical-horizontal

3. autonomy

4. embeddedness

5. hierarchy

6. egalitarianism

قابل اتکا، ثبات هیجانی و پختگی عاطفی، هوش و تحصیلات و کوشایی و ارتقاجویی رابطه مثبت وجود دارد.

۴. بین خودپیروی عاطفی با ترجیح ملاک‌های فراهم‌کننده موقعیت نشاط‌انگیز، خوش‌قیافه بودن و جذابیت عشقی متقابل رابطه مثبت وجود دارد.

۵. با توجه به تفاوت‌هایی که در ملاک‌های انتخاب همسر بین دو جنس وجود دارد (برای مثال باس، ۱۹۸۹؛ خالد، ۲۰۰۵؛ کنریک و کیف، ۱۹۹۲) پیش‌بینی می‌شود رابطه بین ارزش‌های فرهنگی ازدواج و ملاک‌های انتخاب همسر برحسب جنس متفاوت باشد.

همچنین، نظر به اینکه از ۱۸ ملاک انتخاب همسر، ملاکی که تغییراتش بر مبنای بُعد برابرنگری قابل پیش‌بینی باشد، از حیث نظری قابل دفاع نیست، هرچند ممکن است تا اندکی اغماض بر ملاک‌هایی چون اهل معاشرت (از زاویه به رسمیت شناختن حوزه ارتباطات شخصی همسر)، یا جذابیت عشقی متقابل (از زاویه پذیرش ظاهر جسمانی همسر در تناسب با ظاهر جسمانی خود) اشاره کرد، اما معانی آنها ضرورتاً ناظر بر پایبندی به دیدگاه برابرنگری نیستند. بنابراین، فرضیه‌ای درباره رابطه بین بُعد برابرنگری با ملاک‌های انتخاب همسر تدوین نشد.

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تشکیل می‌دهند که در نیم سال دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۰ مشغول به تحصیل بودند. ۳۷۵ نفر (۱۶۸ نفر مرد و ۲۰۷ نفر زن) با استفاده از جدول مورگان تعیین شدند. از این تعداد، ۳۶۰ (۱۶۱ نفر مرد و ۱۹۹ نفر زن) پرسشنامه قابل استفاده بود و در تحلیل نهایی به کار گرفته شد. در این پژوهش از روش نمونه‌برداری در دسترس برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد و داده‌ها با ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون چندگانه مورد تحلیل قرار گرفت.

زمینه‌یاب ارزش‌های ازدواج^۱ (MVS؛ دلخوش، ۱۳۸۶).
زمینه‌یاب ارزش‌های ازدواج، ملهم از نظریه‌های ارزش‌های فرهنگی و مبتنی بر دو ریخت جامع ارزش‌های فرهنگی شوارتز

ارزنده‌سازی منابع قدرت و اعتقاد به توزیع نابرابر قدرت و نقش‌ها در زندگی زناشویی مبنی بر نقش نان‌آور مرد و نقش خانه‌دار زن است. بنابراین، این بُعد با ملاک‌های قدرتمند بودن، طبقه اقتصادی بالا و تحصیلات بالا در انتخاب همسر برای زنان و ملاک‌های دست‌پخت خوب و خانه‌داری و پرورش فرزند برای مردان مرتبط است. ارزش‌های ازدواج در قطب برابرنگر به منزله احساس تعهد نسبت به هم‌عملی داوطلبانه به همسر و پذیرش نقش‌های برابر در زندگی زناشویی است. در نتیجه، با ملاک‌های صداقت و وفاداری، مسؤولیت‌پذیری و حمایتگر و مهربان بودن در انتخاب همسر در ارتباط است (دلخوش، ۱۳۸۸).

با توجه به اهمیت انتخاب همسر به عنوان پایه‌ای برای تشکیل خانواده سالم و ایجاد جامعه‌ای سالم (بارکر، ۱۹۸۵) و با توجه به اینکه کشورمان مانند دیگر کشورهای در حال توسعه در مرحله گذر از سنت به مدرنیته قرار گرفته و با تغییرات وسیعی در تمام پدیده‌های اجتماعی از جمله ازدواج و همسرگزینی مانند افزایش سن ازدواج، کاهش ثبات ازدواج و ترجیح‌های نو در همسرگزینی مواجه است (مهاجرانی، ۱۳۸۹) و جوان بودن جمعیت کشور و ضرورت برنامه‌ریزی برای جوانان در زمینه ازدواج، اهمیت مطالعه عوامل موثر بر ملاک‌های انتخاب همسر زنان و مردان نمود پیدا می‌کند؛ لذا پژوهش حاضر بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی ازدواج با ملاک‌های انتخاب همسر زنان و مردان را هدف خود قرار داده است.

بر اساس استنباط‌های به عمل آمده از چهارچوب مفهومی و با واریسی یافته‌های پژوهشی در حوزه مسائل مورد بررسی، برای پژوهش حاضر فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود.

۱. بین محاط‌شدگی با ترجیح ملاک‌های دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن، تمیز و مرتب، تشابه مذهبی، اهل فرزند و خانواده‌داری و نداشتن رابطه جنسی قبلی رابطه مثبت وجود دارد.
۲. بین سلسله‌مراتبی بودن با ترجیح ملاک‌های آینده مالی خوب، تحصیلات و هوش و موقعیت اجتماعی خوب برای زنان و ترجیح ملاک دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن در مردان رابطه مثبت وجود دارد.
۳. بین خودپیروی عقلانی با ترجیح ملاک‌های شخصیت

ویژگی‌هایی که وجود آنها در همسر بالقوه خیلی مهم است تا نمره صفر برای ویژگی‌هایی که وجود آنها در همسر بالقوه اصلاً اهمیتی ندارد. قسمت سوم شامل ۱۳ ویژگی است که از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود تا آنها را بر اساس میزان اهمیت رتبه‌بندی کنند: از رتبه یک برای ویژگی‌ای که در انتخاب همسر بالقوه برای آنها خیلی مهم است تا رتبه ۱۳ به ویژگی‌ای که در انتخاب آنها بسیار کم‌اهمیت است. در پژوهش حاضر از قسمت دوم پرسشنامه استفاده شد. این پرسشنامه ابتدا به فارسی برگردانده شد. سپس با مشورت با استادان روان‌شناسی خانواده، اصطلاحات مناسب برای فرهنگ ایرانی انتخاب شدند (مثلاً به جای واژه پاکدامنی که معادل واژه chastity در انگلیسی است از اصطلاح «نداشتن رابطه جنسی قبلی» استفاده شد تا ضمن درگیر نشدن با قضاوت ارزشی، بیان‌کننده مفهوم دقیق واژه chastity باشد)، سپس این اصطلاحات توسط فردی دوزبانه به انگلیسی بازترجمه شد و در آخر بازترجمه با متن اصلی مقایسه و تغییرات و تصحیح‌های لازم در متن فارسی انجام گرفت، اما نحوه نمره‌گذاری و تعداد و نوع ملاک‌های اصلی بدون تغییر باقی ماند. در پژوهش حاضر برای به‌دست آوردن ضریب پایایی این پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب پایایی به‌دست آمده برای ۱۸ ویژگی برابر با ۰/۷۶ بود.

یافته‌ها

به منظور نشان دادن ترجیحات ابعاد فرهنگی ارزش‌های ازدواج به تفکیک جنس، میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های مردان و زنان در ابعاد ارزشی آورده شده است (جدول ۱ و ۲). همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ابعاد ارزشی برابرنگری، خودپیروی عقلانی، خودپیروی عاطفی، سلسله‌مراتبی بودن و محاط‌شدگی (به ترتیب با میانگین‌های ۵/۰۶، ۴/۸۱، ۴/۳۰، ۳/۹۶ و ۳/۹۰) با اهمیت‌ترین ابعاد ارزشی مردان است. همچنین، نمره‌های انحراف استاندارد ابعاد ارزشی ازدواج مردان نشان می‌دهد خودپیروی عقلانی کمترین (۰/۵۵) و سلسله‌مراتبی بودن بیشترین (۰/۸۵) میزان پراکندگی نمره‌ها را دارند.

و راس (۱۹۹۵) یعنی محاط‌شدگی در برابر خودپیروی: خودپیروی عقلی و خودپیروی عاطفی، و سلسله‌مراتبی در برابر برابرنگری است. زمینه‌یاب در قالب ۴۶ گزاره تنظیم شده است.* گزاره‌های زمینه‌یاب بر اساس چهارچوب مفهومی پژوهش انتخاب شده‌اند و ارزش‌های متناظر و اختصاصی قلمرو ازدواج و زندگی زناشویی (۲۶ گزاره) و انتخاب همسر (۱۴ گزاره) را پوشش می‌دهند: محاط‌شدگی (۱۵ گزاره)، خودپیروی عقلی (۸ گزاره)، خودپیروی عاطفی (۵ گزاره)، سلسله‌مراتبی (۶ گزاره)، برابرنگری (۶ گزاره): جمعاً ۴۰ گزاره. از شش گزاره باقیمانده، یک گزاره مربوط به بازخورد کلی به ازدواج و پنج گزاره مربوط به بازخورد به همسانی-ناهمسانی با همسر است. اعتبار زمینه‌یاب به روش بازآزمایی، در یک نمونه دانشجویی زن و مرد (به تعداد ۸۷ نفر) در فاصله دو هفته، در دامنه‌ای از متوسط تا بالا قرار داشت. ضرایب به دست آمده عبارت بودند از: محاط‌شدگی ۰/۸۴، سلسله‌مراتبی ۰/۸۲، خودپیروی عقلی ۰/۸۱، خودپیروی عاطفی ۰/۷۴، برابرنگری ۰/۶۹. اعتباریابی نهایی در باب محتوا و ساختار روابط میان ارزش‌های ازدواج، بر اساس فن تحلیل کوچک‌ترین فضا^۱ (SSA) - که از جمله فنون مقیاس‌سازی چندبُعدی ناپارامتریک برای تحلیل ساختاری داده‌های واجد مشابهت است، صورت گرفته و ساختار فرضی روابط میان ارزش‌ها تأیید شده است: پنج ریخت در نواحی متمایز آشکار و روابط تعارضی آنها تأیید شده است (دلخمش، ۱۳۸۶).

پرسشنامه ملاک‌های انتخاب همسر^۲ (باس، ۱۹۸۹). این پرسشنامه برای اولین بار توسط باس (۱۹۸۹) برای بررسی ملاک‌های انتخاب همسر در کشورها و فرهنگ‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. این پرسشنامه شامل ملاک‌هایی است که برای انتخاب همسر مهم هستند و از طریق تحلیل عاملی که توسط هیل (۱۹۴۵) روی ملاک‌های مختلف انتخاب همسر انجام گرفته، به‌دست آمده است. این پرسشنامه از سه قسمت تشکیل شده است که قسمت اول مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی است. قسمت دوم شامل ۱۸ ویژگی است که از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود تا به آنها در یک مقیاس چهار درجه‌ای نمره بدهند، از نمره سه برای

معناداری وجود دارد: سلسله‌مراتبی بودن بیشترین رابطه معنادار مثبت را با آینده مالی خوب ($r=0/46, P<0/01$) و سلامتی خوب ($r=0/26, P<0/01$) دارد. بیشترین رابطه معنادار مثبت برابرنگری با کوشایی و ارتقاجویی ($r=0/30, P<0/01$) و اهل معاشرت ($r=0/30, P<0/01$) است. خودپیروی عاطفی بیشترین رابطه معنادار مثبت را با آینده مالی خوب ($P<0/01$)، $r=0/27$ و بیشترین رابطه معنادار منفی را با تشابه مذهبی ($r=-0/32, P<0/01$) دارد. خودپیروی عقلانی بیشترین رابطه معنادار مثبت را با تحصیلات و هوش ($r=0/38, P<0/01$) و موقعیت اجتماعی خوب ($r=0/34, P<0/01$) دارد. در نهایت بیشترین رابطه معنادار محاطشدگی با نداشتن رابطه جنسی قبلی ($r=0/45, P<0/01$) و تشابه مذهبی ($P<0/01$)، $r=0/40$ است.

مطابق با جدول ۲ ابعاد ارزشی برابرنگری، خودپیروی عقلانی، خودپیروی عاطفی، سلسله‌مراتبی بودن و محاطشدگی (به ترتیب با میانگین‌های ۵/۴۶، ۵/۰۱، ۴/۱۳، ۳/۹۱ و ۳/۸۲) با اهمیت‌ترین ابعاد ارزشی زنان است. همچنین، نمره‌های انحراف استاندارد ابعاد ارزشی ازدواج زنان نشان می‌دهد برابرنگری کمترین ($0/39$) و سلسله‌مراتبی بودن و محاطشدگی بیشترین ($0/77$) میزان پراکندگی نمره‌ها را دارند.

برای بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی ازدواج و ملاک‌های انتخاب همسر به تفکیک جنس از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول ۱ ضرایب همبستگی بین ارزش‌های فرهنگی و ملاک‌های انتخاب همسر مردان را نشان می‌دهد. نتایج جدول ۱ مبین آن است که بین ارزش‌های فرهنگی با بیشتر ملاک‌های انتخاب همسر مردان رابطه

جدول ۱

ضرایب همبستگی بین ارزش‌های فرهنگی ازدواج با ملاک‌های انتخاب همسر مردان ($n=161$)

متغیرها	<u>M</u>	<u>SD</u>	۱	۲	۳	۴	۵
۱. سلسله‌مراتبی بودن	۳/۹۶	۰/۸۵	-				
۲. برابرنگری	۵/۰۶	۰/۵۹	-۰/۰۴				
۳. خودپیروی عاطفی	۴/۳۰	۰/۷۱	۰/۳۲**	۰/۱۳			
۴. خودپیروی عقلانی	۴/۸۱	۰/۵۵	۰/۱۹*	۰/۴۵**	۰/۳۶**		
۵. محاطشدگی	۳/۹۰	۰/۶۶	۰/۲۷**	۰/۱۱	-۰/۲۸**	-۰/۰۵	
۶. دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن	۲	۰/۸۵	۰/۳۳**	-۰/۰۷	-۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۳۱**
۷. فراهم‌کننده موقعیت نشاط‌انگیز	۲/۵۴	۰/۶۲	۰/۱۴	۰/۲۰*	-۰/۱۲	۰/۱۳	۰/۱۱
۸. اهل معاشرت	۲/۱۶	۰/۸۱	۰/۰۴	۰/۳۰**	۰/۰۸	۰/۳۱**	۰/۱۲
۹. زمینه تحصیلی مشابه	۱/۰۹	۰/۰۱	-۰/۰۰	۰/۱۱	-۰/۰۱	۰/۱۸*	۰/۰۸
۱۰. آینده مالی خوب	۱/۳۶	۱/۰۱	۰/۴۶**	۰/۰۳	۰/۲۷**	۰/۱۸*	-۰/۰۴
۱۱. نداشتن رابطه جنسی قبلی	۲/۵۱	۰/۹۰	-۰/۰۷	۰/۱۴	-۰/۲۱**	-۰/۰۱	۰/۴۵**
۱۲. تمیز و مرتب	۲/۴۲	۰/۷۳	۰/۰۳	۰/۰۶	-۰/۱۸*	۰/۰۳	۰/۳۷**
۱۳. شخصیت قابل اتکا	۲/۵۳	۰/۶۲	۰/۰۵	۰/۲۰*	-۰/۰۱	۰/۲۳**	۰/۲۷**
۱۴. ثبات هیجانی و پختگی عاطفی	۲/۴۸	۰/۷۰	۰/۰۵	۰/۲۳**	۰/۰۴	۰/۲۳**	۰/۱۷*
۱۵. موقعیت اجتماعی خوب	۲/۵۲	۰/۷۵	۰/۱۸*	۰/۲۶**	-۰/۰۴	۰/۳۴**	۰/۱۸*
۱۶. خوش‌قیافه	۲/۴۹	۰/۷۳	۰/۳۲**	-۰/۰۶	۰/۲۱**	۰/۱۴	۰/۰۶
۱۷. تشابه مذهبی	۱/۸۳	۱/۱۷	-۰/۰۴	۰/۱۰	-۰/۳۳**	-۰/۰۵	۰/۴۰**
۱۸. کوشایی و ارتقاجویی	۲/۰۶	۰/۷۳	۰/۰۶	۰/۳۰**	-۰/۰۶	-۰/۲۸**	۰/۱۴
۱۹. تشابه در عقاید سیاسی	۱/۴۰	۱/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۵	-۰/۱۹*	۰/۱۴	۰/۰۲
۲۰. جذابیت عشقی متقابل	۲/۶۸	۰/۵۰	۰/۱۸*	۰/۲۶**	-۰/۱۴	۰/۲۱**	۰/۱۴
۲۱. سلامتی خوب	۲/۵۳	۰/۶۱	۰/۴۳**	-۰/۰۱	-۰/۱۱	۰/۲۱**	۰/۱۹*
۲۲. تحصیلات و هوش	۲/۱۴	۰/۷۲	۰/۲۴**	۰/۰۴	-۰/۱۴	۰/۳۸**	-۰/۰۴
۲۳. اهل فرزند و خانواده‌داری	۲/۳۷	۰/۷۸	۰/۰۶	۰/۱۰	-۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۳۷**

** $P<0/01$ * $P<0/05$

خودپیروی عاطفی بیشترین رابطه معنادار مثبت را با جذابیت عشقی متقابل ($r=0/28, P<0/01$) و بیشترین رابطه معنادار منفی را با نداشتن رابطه جنسی قبلی ($r=0/26, P<0/01$) دارد. خودپیروی عقلانی بیشترین رابطه معنادار مثبت را با تحصیلات و هوش ($r=0/34, P<0/01$) و موقعیت اجتماعی خوب ($r=0/34, P<0/01$) دارد. در نهایت بیشترین رابطه معنادار محاطشدگی با نداشتن رابطه جنسی قبلی ($r=0/41, P<0/01$) و تشابه مذهبی ($r=0/33, P<0/01$) است.

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین ارزش‌های فرهنگی و ملاک‌های انتخاب همسر زنان را نشان می‌دهد. نتایج جدول ۲ مبین آن است که بین ارزش‌های فرهنگی با بیشتر ملاک‌های انتخاب همسر زنان رابطه معناداری وجود دارد. سلسله‌مراتبی بودن بیشترین رابطه معنادار مثبت را با آینده مالی خوب ($r=0/54, P<0/01$) و خوش‌قیافه بودن ($r=0/34, P<0/01$) دارد. بیشترین رابطه معنادار مثبت برابرنگری با موقعیت اجتماعی خوب ($r=0/36, P<0/01$) و تحصیلات و هوش ($r=0/32, P<0/01$) است.

جدول ۲

ضرایب همبستگی بین ارزش‌های فرهنگی ازدواج با ملاک‌های انتخاب همسر زنان (n=199)

متغیرها	<u>M</u>	<u>SD</u>	۱	۲	۳	۴	۵
۱. سلسله‌مراتبی بودن	۳/۹۱	۰/۷۷	-				
۲. برابرنگری	۵/۴۶	۰/۳۹	۰/۰۶	-			
۳. خودپیروی عاطفی	۴/۱۳	۰/۶۷	۰/۲۴**	-۰/۰۳	-		
۴. خودپیروی عقلانی	۵/۰۱	۰/۵۴	۰/۰۹	۰/۵۰**	۰/۲۷**	-	
۵. محاطشدگی	۳/۸۲	۰/۷۷	۰/۱۸*	۰/۲۰**	-۰/۳۵**	-۰/۱۷*	-
۶. دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن	۰/۸۹	۰/۹۹	۰/۱۹*	-۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۲۱**
۷. فراهم‌کننده موقعیت نشاط‌انگیز	۲/۶۳	۰/۵۸	۰/۰۶	۰/۲۱**	۰/۲۰**	۰/۱۴*	۰/۰۵
۸. اهل معاشرت	۲/۵۹	۰/۵۶	۰/۰۳	۰/۲۱**	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۱۰
۹. زمینه تحصیلی مشابه	۱/۴۳	۱/۱۳	۰/۱۸*	۰/۱۰	-۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۲۶**
۱۰. آینده مالی خوب	۲/۳۵	۰/۷۰	۰/۵۱**	-۰/۱۱	۰/۱۲	۰/۱۳	۰/۰۸
۱۱. نداشتن رابطه جنسی قبلی	۲/۲۵	۱/۱۳	۰/۱۰	۰/۲۰**	-۰/۲۶**	۰/۰۴	۰/۴۱**
۱۲. تمیز و مرتب	۲/۴۹	۰/۷۱	۰/۰۸	۰/۱۵*	-۰/۰۸	۰/۱۶*	۰/۱۵*
۱۳. شخصیت قابل اتکا	۲/۸۸	۰/۳۷	۰/۰۰	۰/۱۷*	-۰/۰۵	۰/۱۱	-۰/۰۱
۱۴. ثبات هیجانی و پختگی عاطفی	۲/۷۹	۰/۴۷	-۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۱۴	-۰/۰۸
۱۵. موقعیت اجتماعی خوب	۲/۶۸	۰/۵۶	۰/۳۲**	۰/۳۶**	-۰/۰۰	۰/۳۱**	۰/۱۴
۱۶. خوش‌قیافه	۱/۴۶	۰/۷۶	۰/۳۴**	۰/۰۰	۰/۲۳**	۰/۰۸	۰/۰۹
۱۷. تشابه مذهبی	۲/۲۸	۰/۹۱	۰/۱۷*	۰/۱۶*	-۰/۱۹**	۰/۰۴	۰/۳۳**
۱۸. کوشایی و ارتقاجویی	۲/۵۵	۰/۶۴	۰/۱۰	۰/۱۵*	۰/۰۰	۰/۲۵**	-۰/۰۲
۱۹. تشابه در عقاید سیاسی	۱/۵۸	۰/۹۸	۰/۱۷*	۰/۰۰	۰/۱۴	۰/۱۴*	-۰/۱۳
۲۰. جذابیت عشقی متقابل	۲/۵۶	۰/۶۲	۰/۱۲	۰/۲۲**	۰/۲۸**	۰/۱۷*	-۰/۰۹
۲۱. سلامتی خوب	۲/۵۷	۰/۶۰	۰/۰۹	۰/۱۹**	-۰/۱۴	۰/۰۵	۰/۲۸**
۲۲. تحصیلات و هوش	۲/۳۶	۰/۷۱	۰/۲۴**	۰/۳۲**	۰/۱۵*	۰/۴۴**	۰/۰۱
۲۳. اهل فرزند و خانواده‌داری	۲/۶۱	۰/۶۴	۰/۰۰	۰/۳۱**	-۰/۱۶*	۰/۱۴	۰/۲۵**

* $P<0/05$ ** $P<0/01$

انتخاب همسر مردان دارند. بیشترین ضرایب تعیین مربوط به نداشتن رابطه جنسی قبلی و آینده مالی خوب است؛ ارزش‌های فرهنگی قادرند ۲۴ درصد از کل واریانس هر کدام از این دو متغیر را پیش‌بینی کنند. کمترین ضریب تعیین مربوط به زمینه تحصیلی مشابه است که از میان ارزش‌های فرهنگی تنها برابرنگری سهم معناداری در پیش‌بینی این متغیر دارد و تنها سه درصد از کل واریانس این متغیر را تبیین می‌کند.

با توجه به معنادار بودن همبستگی‌ها، به منظور بررسی نقش ارزش‌های فرهنگی در پیش‌بینی ملاک‌های انتخاب همسر مردان و زنان از تحلیل‌های رگرسیون چندمتغیری به روش پس‌رونده^۱ به تفکیک جنس استفاده شد. جدول ۳ نتایج تحلیل‌های رگرسیون برای پیش‌بینی ملاک‌های انتخاب همسر مردان از روی ارزش‌های فرهنگی را نشان می‌دهد. نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که ارزش‌های فرهنگی سهم معناداری در پیش‌بینی تمام ملاک‌های

جدول ۴

خلاصه تحلیل‌های رگرسیون برای پیش‌بینی ملاک‌های انتخاب همسر زنان بر اساس ارزش‌های فرهنگی ازدواج

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	β	R^2	F
آینده مالی خوب	سلسله‌مراتبی	۰/۵۴	۰/۲۹	۷۹/۴۰**
تحصیلات و هوش	خودپیروی عقلانی	۰/۳۵	۰/۲۵	۲۱/۳۳**
	سلسله‌مراتبی	۰/۲۰		
نداشتن رابطه جنسی قبلی	محاط‌شدگی	۰/۳۸	۰/۲۱	۱۶/۸۷**
	خودپیروی عاطفی	-۰/۱۷		
	خودپیروی عقلانی	۰/۱۵		
موقعیت اجتماعی خوب	سلسله‌مراتبی	۰/۳۲	۰/۲۵	۱۶/۱۹**
	برابرنگری	۰/۲۴		
	خودپیروی عقلانی	۰/۱۹		
خوش‌قیافه	سلسله‌مراتبی	۰/۳۰	۰/۱۴	۱۵/۷۱**
	خودپیروی عاطفی	۰/۱۵		
جذابیت عشقی متقابل	خودپیروی عاطفی	۰/۲۹	۰/۱۳	۱۵/۱۴**
	برابرنگری	۰/۲۳		
اهل فرزند و خانواده‌داری	برابرنگری	۰/۲۷	۰/۱۳	۱۴/۹۸**
	محاط‌شدگی	۰/۱۹		
کوشایی و ارتقاجویی	خودپیروی عقلانی	۰/۲۵	۰/۰۶	۱۳/۱۰**
	محاط‌شدگی	۰/۲۶	۰/۱۰	۱۰/۵۵**
سلامتی خوب	برابرنگری	۰/۱۴		
	محاط‌شدگی	۰/۲۶	۰/۱۴	۱۰/۲۸**
تشابه مذهبی	سلسله‌مراتبی	۰/۱۵		
	خودپیروی عاطفی	۰/۲۱	۰/۰۹	۹/۳۲**
فراهم‌کننده موقعیت نشاط‌انگیز	برابرنگری	۰/۲۱		
	محاط‌شدگی	۰/۲۶	۰/۱۰	۷/۴۱**
زمینه تحصیلی مشابه	خودپیروی عقلانی	۰/۱۴		
	محاط‌شدگی	۰/۲۷	۰/۰۷	۷/۱۱**
دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن	خودپیروی عاطفی	۰/۱۷		
	برابرنگری	۰/۲۲	۰/۰۶	۶/۲۵**
اهل معاشرت	برابرنگری	۰/۱۷	۰/۰۳	۵/۸۶*
	سلسله‌مراتبی	۰/۲۰	۰/۰۶	۵/۷۸**
تشابه در عقاید سیاسی	محاط‌شدگی	-۰/۱۷		
	خودپیروی عقلانی	۰/۱۹	۰/۰۵	۵/۶۲**
تمیز و مرتب	محاط‌شدگی	۰/۱۸		
	خودپیروی عقلانی	۰/۱۴	۰/۰۲	۳/۶۵

** $P < 0.01$ * $P < 0.05$

بحث

ترجیح ملاک‌های آینده مالی خوب، تحصیلات و هوش و موقعیت اجتماعی خوب در زنان و دست‌پخت خوب و خانه‌داری، در مردان، میان خودپیروی عقلانی با ملاک‌های شخصیت قابل اتکا، ثبات هیجانی و پختگی عاطفی، هوش و تحصیلات و کوشایی و ارتقاجویی در مردان و هوش و تحصیلات و کوشایی و ارتقاجویی در زنان، و میان خودپیروی عاطفی با ترجیح ملاک‌های فراهم‌کننده موقعیت نشاط‌انگیز، خوش‌قیافه بودن و جذابیت

همچنان که فرض شده بود بین بُعد ارزشی محاط‌شدگی با ملاک‌های دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن، تمیز و مرتب بودن، تشابه مذهبی، اهل فرزند و خانواده‌داری و نداشتن رابطه جنسی قبلی در مردان و ملاک‌های دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن، تمیز و مرتب بودن، تشابه مذهبی، اهل فرزند و خانواده‌داری و نداشتن رابطه جنسی قبلی در زنان، میان سلسله‌مراتبی بودن با

عشقی متقابل در مورد زنان رابطه مثبت وجود دارد. این یافته‌ها حاکی از درستی و اعتبار قابل قبول زمینه‌یاب ارزش‌های ازدواج طبق ابعاد نظری زیربنایی آن است.

در مردان ابعاد محاطشدگی و سلسله‌مراتبی برجسته‌ترین سهم را در پیش‌بینی‌پذیری ترجیحات انتخاب همسر دارند. بُعد محاطشدگی در پیش‌بینی ملاک‌های آینده مالی خوب، نداشتن رابطه جنسی قبلی، تمیز و مرتب بودن، تشابه مذهبی، دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن، اهل فرزند و خانواده‌داری، شخصیت قابل اتکا و ثبات هیجانی و پختگی عاطفی، و بُعد سلسله‌مراتبی در پیش‌بینی ملاک‌های آینده مالی خوب، نداشتن رابطه جنسی قبلی، سلامتی خوب، خوش‌قیافه بودن، دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن، تحصیلات و هوش، موقعیت اجتماعی خوب و جذابیت عشقی متقابل سهم معناداری دارد. ملاک‌هایی که بیشترین میزان پیش‌بینی‌پذیر را دارند عبارتند از: آینده مالی خوب ($R^2=0/24$) و نداشتن رابطه جنسی قبلی ($R^2=0/24$)، تشابه مذهبی ($R^2=0/21$)، سلامتی خوب ($R^2=0/20$) و تحصیلات و هوش ($R^2=0/19$).

در زنان محاطشدگی در مقایسه با دیگر ابعاد (و همچنین در مقایسه با مردان) نقش تعیین‌کننده محدودتری در تبیین ملاک‌هایی دارد، که توان پیش‌بینی‌پذیر را مشخص می‌کنند (آینده مالی خوب $R^2=0/29$ ، تحصیلات و هوش $R^2=0/25$ ، نداشتن رابطه جنسی قبلی $R^2=0/21$ و موقعیت اجتماعی خوب $R^2=0/25$). با این وجود، در گروه زنان نیز آینده مالی خوب و نداشتن رابطه جنسی قبلی، از جمله ملاک‌هایی هستند که بیشترین میزان پیش‌بینی‌پذیری را براساس ابعاد ارزش‌های فرهنگی نشان می‌دهند.

در مجموع این نتایج بدین معناست که در مردان در قیاس با زنان ابعاد ارزشی محاطشدگی و سلسله‌مراتبی در تعیین ملاک‌های انتخاب همسر تعیین‌کننده‌تر هستند. به عبارت دیگر ارزش‌هایی که ناظر بر قواعد و نقش‌های سنتی، و توزیع نابرابر قدرت و نقش‌ها هستند، در ترجیحات انتخاب همسر مردان بیش از زنان تعیین‌کننده‌اند.

در ترجیحات مردان ملاک‌های اهل فرزند و خانواده‌داری، شخصیت قابل اتکا و ثبات هیجانی و پختگی عاطفی با هر دو

بُعد متضاد محاطشدگی-خودپیروی عقلانی و عاطفی، و جذابیت متقابل با هر دو بُعد متضاد سلسله‌مراتبی-برابرنگری همبستگی دارد. در ترجیحات زنان نیز ملاک‌های دست‌پخت خوب و خانه‌دار بودن، تمیز و مرتب بودن و زمینه تحصیلی مشابه با هر دو بُعد متضاد محاطشدگی-خودپیروی عقلانی، و موقعیت اجتماعی خوب با هر دو بُعد متضاد سلسله‌مراتبی-برابرنگری دارای همبستگی است. این یافته‌ها نشان می‌دهند ارزش‌های فرهنگی ازدواج (با توجه به زمینه‌یاب)، مبنای روشنی برای ترجیحات این ملاک‌ها نیستند، به عبارت دیگر این ملاک‌ها در نمونه مورد بررسی (زنان و مردان) ارزش تشخیصی ندارند.

در ترجیحات مردان ملاک‌های کوشایی و ارتقاجویی، موقعیت اجتماعی خوب و تشابه در عقاید سیاسی، و در ترجیحات زنان ملاک اهل فرزند و خانواده‌داری با دو بُعد پیوسته خودپیروی عقلانی و عاطفی همبستگی ناهم‌جهت (مثبت و منفی) نشان داده‌اند. این یافته‌ها می‌توانند به این معنا باشند که ملاک‌های مذکور برای نمونه مورد بررسی (گروه زنان یا مردان) معانی مبهم (برای مثال ملاک اهل فرزند و خانواده‌داری در ترجیحات زنان برای انتخاب جفت مرد) یا نامتجانس (برای مثال موقعیت اجتماعی خوب از دو بُعد خودپیروی عقلانی و عاطفی در ترجیحات مردان برای انتخاب جفت زن) دارند و ارزش تشخیصی ندارند.

یافته‌هایی در مورد ترجیحات انتخاب همسر به دست آمد که گرچه بر مبنای فرضیه پیش‌بینی نشده بودند، اما مغایرتی با اصل نظریه ارزش‌های فرهنگی ندارند و می‌توانند ناشی از بافت فرهنگی ایرانی-اسلامی باشند. برای مثال رابطه منفی ملاک آینده مالی خوب با بُعد محاطشدگی (نادیده گرفتن ارزش مادی بر اساس آموزه‌های سنت دینی)، رابطه ملاک‌های سلامتی خوب، خوش‌قیافه و خانه‌داری با بُعد سلسله‌مراتبی (تملک و در اختیار داشتن زنی در مراتب بالاتری از قابلیت‌های جسمانی)، رابطه ملاک‌های اهل معاشرت و زمینه تحصیلی مشابه با بُعد خودپیروی عقلی (که با ملاک‌های عقلانی و تدابیر یک فرد خودپیرو در انتخاب همسر هماهنگ است) و رابطه منفی ملاک تشابه مذهبی، با بُعد خودپیروی عاطفی (که به منزله منفی در برابر امیال مردی

- Buss, D. M. (1989).** Sex differences in human mate preferences: Evolutionary hypotheses tested in 37 cultures. *Behavioral and Brain Sciences*, 12, 1-49.
- Caspi, A., & Herbener, E. (1990).** Continuity and change: Assortative marriage and the consistency of personality in adulthood. *Journal of Personality Social Psychology*, 58, 250-258.
- Chu, G. C. (1985).** *The changing concept of self in contemporary China*. London: Tavistock.
- Doosje, B., Rojahn, K., & Fischer, A. (1999).** Partner preferences as a function of gender, age, political orientation and level of education. *Sex Roles*, 40, 45-60.
- Eagly, A. H., & Wood, W. (1999).** The origins of sex differences in human behavior: Evolved dispositions versus social roles. *American Psychologist*, 54 (6), 408-423.
- Hatfield, E. (1993).** *Love, sex, and intimacy: Their psychology, biology, and history*. New York: Harper Collins.
- Hill, R. (1945).** Campus values in mate selection. *Journal of Home Economics*, 37, 554-558.
- Hofstede, G. (1980).** *Culture's consequences: International differences in work-related values*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Keith, P. M., & Schafer, R. B. (1991).** *Relationships and well-being over the life stages*. New York: Praeger.
- Kenrick, D. T., & Keefe, R. F. (1992).** Age preferences in mates reflect sex differences in human reproductive strategies. *Behavioral and Brain Sciences*, 15, 75-133.
- Khallad, Y. (2005).** Mate selection in Jordan: Effects of sex, socio-economic status, and culture. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22, 155-168.
- Markus, H., & Kitayama, S. (1991).** Culture and

خودمختار است که تجربه مستقل هیجان‌انگیز را به دلایل سنتی از میدان نمی‌راند) در مردان، و رابطه ملاک خوش‌قیافه با بُعد سلسله‌مراتبی (تملک و در اختیار داشتن مردی با مراتب بالاتری از جذابیت‌های مردانه)، رابطه ملاک‌های موقعیت اجتماعی خوب و کوشایی و ارتقاجویی با بُعد خودپیروی عقلی (که با ملاک‌های عقلانی یک زن خودپیرو در انتخاب همسری توانمند هماهنگ است) و رابطه منفی ملاک نداشتن رابطه جنسی با بُعد خودپیروی عاطفی (که با درخواست‌های عاطفی زنی در جست‌وجوی تجربه‌های مستقل هیجان‌انگیز، همخوان است) در زنان می‌تواند ناشی از بافت فرهنگی خاص کشورمان باشند.

علاوه بر این، اغلب ملاک‌هایی که در مردان و زنان با بُعد برابرنگری مرتبط هستند (برای مثال، ملاک‌های اهل معاشرت، کوشایی و ارتقاجویی و فراهم‌کننده موقعیت نشاط‌انگیز در مردان، و ملاک‌های اهل معاشرت، فراهم‌کننده موقعیت نشاط‌انگیز، جذابیت عشقی متقابل، اهل فرزند و خانواده‌داری، شخصیت قابل اتکا و سلامتی خوب در زنان)، همچنین ملاک‌هایی که اغلب بر مشابهت در زنان تأکید می‌کنند (مانند تشابه در عقاید سیاسی و تشابه مذهبی) با ابعاد ارزش‌های فرهنگی ازدواج ارتباطی ندارند، که عمدتاً به دلیل عدم تناسب بُعد برابرنگری با ملاک‌های مورد بررسی است. این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه است که قابلیت تعمیم نتایج آن را محدود می‌سازد.

منابع

- دلخوش، م. ت. (۱۳۸۶).** ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۳ (۱۲) ۳۰۹-۲۹۹.
- دلخوش، م. ت. (۱۳۸۸).** سلسله مراتب ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۵ (۱۸) ۲۳۰-۲۰۷.
- مهاجرانی، ع. ا. (۱۳۸۹).** تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنتی ازدواج. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ۴ (۱۱) ۵۴-۴۱.
- Barker, P. (1985).** *Basic family therapy* (2nd ed.). London: William Collins Sons & Co. Ltd.
- Bourdieu, P. (1972).** *Outline of a theory of practice*. Cambridge: Cambridge University Press.

Triandis, H. C. (1995). *Individualism and collectivism*. Boulder, CO: Westview.

Triandis, H. C., & Gelfand, M. G. (1998). Converging measurement of horizontal and vertical individualism and collectivism. *Journal of Personality and Social Psychology, 74*, 118-128.

Williams, R. M. Jr. (1970). *American society: A sociological interpretation* (3rd ed.). New York: Knopf.

self: Implications for cognition, emotion, and motivation. *Psychological Bulletin, 102*, 72-90.

Schwartz, S. H. (1999). A theory of cultural values and some implications for work. *Journal of Applied Psychology: An International Review, 48*, 23-47.

Schwartz, S. H., & Ros, M. (1995). Values in the west: A theoretical and empirical challenge to the individualism-collectivism cultural dimension. *World Psychology, 1*, 99-122.

